

بررسی و نقد روایات «فضل حبّ النساء» از کتاب «بحار الأنوار» (ترجمه، کتابشناسی، رجال و منبع یابی)

سمیه خاری آرانی^۱

چکیده

این مقاله بر آن است که به نقد و بررسی روایات «فضل حبّ النساء» از کتاب شریف بحار الأنوار بپردازد؛ چرا که در میان آنها روایتی دیده می‌شود که از نظر متن، سند یا معنا و مفهوم با بعضی از اصول ما سازگاری ندارد. در این مقاله برای به دست آوردن صحت و سقم این احادیث، چند روش به کار گرفته شده که عبارت‌اند از: ۱. به دست آوردن ترجمه صحیح روایت؛ ۲. بررسی اعتبار کتابی که روایت از آن نقل شده است؛ ۳. بررسی سند روایت؛ ۴. یافتن حدیث در منابع دیگر حدیث؛ ۵. رجال‌شناسان راویان حدیث؛ ۶. نقد و بررسی حدیث برای اطمینان یافتن از وثاقت صدور و تطابق با عقل. در این مقاله با توجه به بررسی پانزده روایت از باب و اعمال مراتب فوق می‌توان دریافت که بعضی از احادیث، ضعیف و غیر قابل اعتماد بوده و بعضاً در منابع معتبر دیگر ذکر نشده‌اند.

کلیدواژه‌ها: روایات فضل حبّ النساء، بحار الأنوار، کتاب‌شناسی، رجال، منبع‌یابی.

مقدمه

در اعتبارسنجی مصادر روایات «فضل حبّ النساء» که در کتاب شریف بحار الأنوار آمده است، مجموع مصادری که علامه مجلسی این روایات را از آن کتب برگزیده و ذیل باب یادشده آورده، هفت کتاب هستند که از آن میان، سه روایت از الأمالی صدوق، یک روایت از علل الشرائع، یک روایت از معانی الأخبار، سه روایت از قرب الاسناد، پنج روایت از الخصال،

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۸.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث (s. khariarani@yahoo. Com)

یک روایت از الأمالی مفید و دو روایت از الأمالی طوسی نقل شده‌اند. درجه‌ای که گروهی از محققان برای این کتب در نظر گرفته‌اند، از این قرار است:

الأمالی صدوق (قرن ۴): رتبه ب و پایه سوم.

علل الشرائع شیخ صدوق (قرن ۴): رتبه الف و پایه هشتم.

معانی الأخبار شیخ صدوق (قرن ۴): رتبه الف و پایه هفتم.

قرب الإسناد حمیری قمی (قرن ۳): رتبه ب و پایه سوم.

النخصال شیخ صدوق (قرن ۴): رتبه الف و پایه ششم.

الأمالی شیخ مفید (قرن ۵): رتبه ب و پایه اول.

الأمالی شیخ طوسی (قرن ۵): رتبه ب و پایه دوم.

مصادر رتبه الف، مرجعیت، مقبولیت و شایستگی مورد اعتنایی نزد پیروان مذهب شیعه دارند به گونه‌ای که آنها در مقام استدلال و یا احتجاج، استناد بدان مصادر را می‌پذیرند. مصادر رتبه ب، اگر چه شایستگی انفرادی ندارند، ولی به عنوان مؤید و شاهد، مورد توجه هستند و در حالت تکرار یک مضمون، شایستگی نسبی می‌یابند.

باب فضل حب النساء و الأمر بمدارتهن و ذمهن و النهی عن طاعتهن

الآیات التغابن ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِّ مِنْ أَرْوَاحِكُمْ وَأَوْلَاكُمْ عِدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ﴾ (التغابن: ۱۴).

۱- ع، علل الشرائع لی، الأمالی للصدوق ابن البرقی عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْبَرَقِيِّ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنِ الصَّادِقِ ع عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ: شَكَرَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع نِسَاءَهُ فَقَامَ ع خَطِيبًا فَقَالَ مَعَاشِرَ النَّاسِ لَا تُطِيعُوا النِّسَاءَ عَلَى حَالٍ وَلَا تَأْمَنُوهُنَّ عَلَى مَالٍ وَلَا تَدْرُوهُنَّ يُدَبِّرْنَ أَمْرَ الْعِيَالِ فَإِنَّهُنَّ إِنْ تَرَكْنَ وَمَا أَرَدْنَ أَوْرَدْنَ الْمَهَالِكَ وَعَدَوْنَ أَمْرَ الْمَالِكِ فَإِنَّا وَجَدْنَاهُنَّ لَا وَرَعَ لَهُنَّ عِنْدَ حَاجَتِهِنَّ وَلَا صَبْرَ لَهُنَّ عَنْ شَهَوْتِهِنَّ الْبَذْخَ لَهُنَّ لَازِمٌ وَإِنْ كَبُرْنَ وَالْعُجْبُ بِهِنَّ لَاحِقٌ وَإِنْ عَجَزْنَ لَا يَشْكُرْنَ الْكَثِيرَ إِذَا مُنِعْنَ الْقَلِيلَ يَنْسِينَ الْخَيْرَ وَ يَحْفَظْنَ الشَّرَّ يَتَهَاقَتْنَ بِالْبُهْتَانِ وَ يَتَمَادَيْنَ بِالطُّغْيَانِ وَ يَتَصَدَّقْنَ لِلشَّيْطَانِ فَدَارُوهُنَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ أَحْسِنُوا لَهُنَّ الْمَقَالَ لَعَلَّهُنَّ يُحْسِنَ الْفِعَالَ (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۲/ ۵۱۲).

ترجمه: امام صادق ع از گفته پدران فرمود که: «مردی از زنان خود شکایت کرد و امیر مؤمنان این سخن را ایراد فرمود: ای مردم! به هیچ وجه مطیع زنان نباشید و آنها را امین بر مال

ندانید و نگذارید سرپرست عیال باشند؛ زیرا آنها را به دلخواه خودشان واگذاری، به مهلکه گرایند و از دستور مالک تجاوز کنند؛ زیرا ما دریافتیم که هنگام نیاز، پرهیز ندارند و گاه شهوت، شکیا نیستند؛ بزک را تا گاه پیری ترک نکنند و عجزه هم که شوند از خودبینی دست باز نکنند؛ شکر نعمت فراوان را برای جلوگیری اندکی فراموش کنند؛ خوبی را از یاد برند و بدی را به خاطر سپارند؛ چون پروانه به بهتان شتابند و به طغیان گرایند و دنبال شیطان برآیند؛ به هر حال با آنها مدارا کنید و به زبان خوش با آنها گفتگو کنید، شاید خوش‌کردار شوند» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲۰۶).

سند در الأمالی و علل الشرائع

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ رحمه الله قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ جَدِّهِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ: ...

بررسی کتاب الأمالی

الأمالی، اثر ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق، از جمله کتبی است که حاوی روایات و مباحث شیوا و شیرین در عرصه‌های مختلف اخلاقی، نقل فضایل اهل بیت علیهم السلام، مسائل تاریخی، اجتماعی و... است که به زبان عربی و در سال ۳۶۸ ق، نوشته شده است. روایات کتاب را محمدباقر کمره‌ای، به فارسی ترجمه کرده است. مطالب کتاب، شامل ۹۷ مجلس است که هر کدام از مجالس، موضوعات مختلفی در زمینه‌های گوناگون از جمله: آداب، سنن و... را در بر داشته و در واقع، گنجینه‌ای از معارف دینی، اصول اعتقادی، سفارش‌های اخلاقی و مباحث شیرین و متنوع مذهبی است.

نویسنده، اخبار کتاب را از روات فریقین (شیعه و اهل سنت) نقل کرده است. در کنار هر کدام از مجالس، روز املائی آن نیز ذکر شده است؛ مثلاً مجلس اول، در روز جمعه هجدهم رجب سال ۳۶۷ املا شده است که این امر، نشان از دقت در ضبط و نگارش مباحث و توجه شیخ صدوق به مناسبت‌ها دارد.

بخشی از کتاب در مشهدالرضا و بخشی دیگر در ری نگاشته شده است و در مجموع،

شامل مباحثی است که از هجدهم رجب سال ۳۶۷ ق، تا پنجشنبه، ۱۱ روز مانده از شعبان ۳۶۸ ق (احتمالاً ۱۹ شعبان) بیان شده است. این کتاب طبق رتبه‌بندی مصادر حدیثی در رتبه ب و پایه سه قرار دارد.

بررسی کتاب علل الشرائع

علل الشرائع، به زبان عربی، تألیف ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۳۰۵-۳۸۱ ق)، معروف به شیخ صدوق، از چهره‌های برجسته فقها و روات شیعه در قرن چهارم هجری است. کتاب، مشتمل بر روایاتی از حضرت رسول خدا ﷺ و ائمه معصومین دربارۀ علت برخی از احکام شرعی و عقاید و همچنین دلیل برخی از نام‌گذاری‌ها و علت برخی از کارهای پیامبران و معصومان است.

کتاب، در دو جلد تنظیم شده که جلد اول، دارای ۲۶۲ باب و جلد دوم، شامل ۳۸۵ باب است. کتاب یادشده، طبق رتبه‌بندی مصادر حدیثی، در رتبه الف و پایه ۸ قرار دارد.

بررسی سند روایت

۱. عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ: در کتب رجالی نامی از آن نیامده است.

۲. أَبِي: أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ الْبَرْقِيُّ: امامی ثقة علی التحقيق (نجاشی، ۱۳۶۵: ۸۵؛ طوسی، ۱۳۷۳: ۴۱۷).

۳. جَدُّهُ أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ: احمد بن محمد بن خالد البرقی، امامی ثقة جلیل. گرچه ایشان خود ثقة بوده، ولی احادیث ضعیف را روایت می‌کرده است (حلی، ۱۳۴۲: ۴۰؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۷۷؛ واسطی بغدادی، ۱۳۶۴: ۳۹/۱).

۴. أَبِيهِ مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ: امامی و ثقة. نجاشی می‌گوید: در حدیث، ضعیف است (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۶۳؛ واسطی بغدادی، ۱۳۶۴: ۹۳/۱).

۵. مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ: امامی، ثقة جلیل، من اصحاب الإجماع، لا یروی ولا یرسل إلا عن ثقة (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۶۵؛ کسّی، ۱۴۰۹: ۵۵۶؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۲۷).

۶. غَيْرِ وَاحِدٍ: معتبر.

۷. جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ رضی الله عنه: معصوم.

سند این روایت از نوع عادی است و از لحاظ اتصال، مرسل و ضعیف است.

نکاتی درباره حدیث

سند این روایت در کتاب الأمالی و علل الشرایع صدوق، مرسل است؛ ولی سند این روایت با همین مضمون در من لا یحضره الفقیه (۵۵۴/۳) به صورت مرفوع آمده است و در وسائل الشیعة (۱۸۰/۲۰) سند این روایت را از لحاظ اتصال، مسند و نوع سند را ضمیر بیان کرده است و همه منابع سند روایت ضعیف است و متن روایت با سخنان معصومان رضی الله عنهم تناسب ندارد؛ چون در اسلام به مشورت میان زن و شوهر و تصمیم‌گیری در کارها اشاره شده است، در صورتی که این روایت، مطابق با آن گفتار نیست؛ ولی اگر منظور از «لا تطیعوا» «لا تطلعوا» باشد، این روایت از لحاظ متن قابل پذیرش است؛ چون از آشکار کردن زنان می‌گوید و شوهران را از این کار منع می‌کند، همان طور که در کنز الفوائد (۱۷۷) و بحار الأنوار (۲۵۳/۱۰۰) آمده است، پس طبق این شرایط گرچه سند آن ضعیف است، ولی متن، مورد پذیرش است.

۲- لی، الأمالی للصدوق ابْنُ إِدْرِيسَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ عَمْسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ رضی الله عنهم قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ رضی الله عنه لِأَهْلِ الدِّينِ عَلَامَاتٌ يُعْرَفُونَ بِهَا صِدْقُ الْحَدِيثِ وَادَاءُ الْأَمَانَةِ وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ وَصِلَةُ الرَّحِمِ وَرَحْمَةُ الضُّعَفَاءِ وَقِلَّةُ الْمُؤَاتَاةِ وَبَذْلُ الْمَعْرُوفِ وَحُسْنُ الْخُلُقِ وَسَعَةُ الْخُلُقِ وَاتِّبَاعُ الْعِلْمِ وَمَا يَقْرُبُ إِلَى اللَّهِ تعالى طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَا بِ الْخَبَرِ (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲۲۱).

ترجمه: امیر مؤمنان رضی الله عنه فرمود: «اهل دین، نشانه‌هایی دارند که بدان شناخته می‌شوند: راست‌گفتاری، امانت‌داری، وفاء به عهد، صله رحم، رحم بر ناتوان، کم‌آمیختن با زنان، بذل معروف، خوش‌خلقی، خوش‌برخوردی، پیروی از دانش و آنچه به خدا نزدیک کند طوبی از آنهاست و سرانجام نیک».

سند روایت

حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ

عنه

عيسى عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عليه السلام قَالَ

بررسی سند روایت

١. الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ: القمي الأشعري يكنى أبا عبد الله روى عنه التلعكبري وله منه إجازة (طوسي، ١٣٧٣: ٤٢٣)، امامي، ثقة على التحقيق.

٢. أَبِي: أحمد بن إدريس القمي: المعلم لحقه ولم يرو عنه (طوسي، ١٣٧٣: ٣٩٥)، الأشعري يكنى أبا علي وكان من القواد سنة [ثلاث و] ثلاثين و ثلاثمائة و إلى ما بعدها وله منه إجازة (طوسي، ١٣٧٣: ٤١١)، امامي، ثقة جليل.

٣. أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى: أحمد بن محمد بن خالد البرقي: ثقة إلا أنه يروى عن الضعفاء. إمامي صحيح المذهب ظاهراً (نجاشي، ١٣٦٥: ٧٧؛ واسطي بغدادی، ١٣٦٤: ٣٩/١ و حلّي، ١٣٤٢: ٤٠)، ثقة وقوله مقبول (حلّي، ١٤١١: ١٥)، امامي، ثقة جليل.

٤. أَبِيهِ: محمد بن خالد البرقي: حديثه يعرف وينكر. يروى عن الضعفاء كثيراً (واسطي بغدادی، ١٣٦٤: ٩٣/١ و ثقة، إمامي صحيح المذهب ظاهراً (طوسي، ١٣٧٣: ٣٦٣؛ حلّي، ١٤١١: ١٣٩)، ضعيف (نجاشي، ١٣٦٥: ٣٣٥)، امامي، ثقة، ان قال النجاشي أنه ضعيف في الحديث.

٥. عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ الْحَارِثِ الْحَضْرَمِيُّ الْبَطَلُ: واقفي (طوسي، ١٣٧٣: ٣٤١)، كذاب غال يروى عن الغلاة لا خير فيه ولا يعتد بروايته (نجاشي، ١٣٦٥: ٢٢٦)، واقفي وهو يعرف بالباطل وكان كذاباً يروى عن الغلاة لا خير فيه ولا يعتد بروايته وليس بشيء ولا يرتفع به (حلّي، ١٤١١: ٢٣٦)، كذاب غال واقفي.

٦. أَبِيهِ: القاسم بن الحارث الحضرمي.

٧. أَبِي بَصِيرٍ: يحيى ابوبصير الأسدي: فض أما الغلو فلا ولكن كان مخطئاً (حلّي، ١٣٤٢: ٥٢٦) و مذموم في الرواية: الحسن بن قياماً الصيرفي قال حججت في سنة ثلاث و تسعين و مئة و سألت أبا الحسن الرضا عليه السلام فقلت جعلت فداك ما فعل أبوك قال: مضى كما مضى آبائوه قلت: فكيف أصنع بحديث حدثني به يعقوب بن شعيب عن أبي بصير أن أبا عبد الله عليه السلام قال: إن جاءكم من يخبركم أن ابني هذا مات و كفن و قبر و نفصوا أيديهم من تراب قبره فلا تصدقوا

به فقال: كذب أبو بصير ليس هكذا حدّثه إنّما قال إن جاءكم عن صاحب هذا الأمر (كشّی، ۱۴۰۹ق، ص ۴۷۶) و ممدوح فی الروایة: أبی عبیده الحذاء قال سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: زرارة و أبو بصير و محمد بن مسلم و بريد من الذين قال الله تعالى ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ﴾ (واقعه: ۱۰ - ۱۱) (كشّی، ۱۴۰۹: ۱۳۶) امامی، ليس واقفی، ثقة جلیل من أصحاب الجماع.

سند این روایت از لحاظ اتصال، مسند و ضعیف است و نوع سند عادی است.

نکاتی درباره حدیث

سند روایت، ضعیف است و از لحاظ اتصال، مسند است و در الکافی (۲/ ۲۴۰) نوع سند این روایت به صورت تعلیل و ضمیر آمده است و از لحاظ اتصال، مسند و ضعیف است؛ ولی متن روایت با سخنان اهل بیت علیهم السلام تناسب دارد و منافاتی با آنها ندارد.

۳- مع، معانی الأخبار لی، الأمالی للصدوق الحافظ عن أحمد بن عبد الله عن عيسى بن محمد الكاتب عن المدائني عن غياث بن إبراهيم عن الصادق عن آبائه عليهم السلام قال قال أمير المؤمنين عليه السلام عَقُولُ النِّسَاءِ فِي جَمَالِهِنَّ وَجَمَالُ الرِّجَالِ فِي عُقُولِهِمْ (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲۲۸).

ترجمه: غیاث بن ابراهیم از امام صادق از پدرش از جدش علیه السلام روایت نموده که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: «خرد زنان در زیبایی آنان، و زیبایی مردان در خردهایشان قرار دارد» (ابن بابویه، ۱۳۷۷).

سند روایت

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَلَمَةَ بْنِ الْبَرَاءِ الْحَافِظُ الْبَغْدَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الثَّقَفِيُّ أَبُو الْعَبَّاسِ قَالَ حَدَّثَنَا عِيسَى بْنُ مُحَمَّدٍ الْكَاتِبُ قَالَ حَدَّثَنِي الْمَدَائِنِيُّ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عَقُولُ النِّسَاءِ فِي جَمَالِهِنَّ وَ... .

بررسی کتاب معانی الأخبار

معانی الأخبار را ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق

به زبان عربی و در قرن چهارم هجری نوشته است. کتاب را علی اکبر غفاری، تصحیح و تحقیق کرده است.

در اهمیت این کتاب، می توان به این نکته اشاره کرد که در مقام بیان غریب احادیث و مشکلات اخبار، از زبان اهل بیت علیهم السلام است و به منزله قاموسی در فهم کلمات و معانی الفاظ و لطایف اخبار معصومان علیهم السلام است و روزگار، کتابی مثل این را در این زمینه، به خود ندیده و بر سبک آن، کتابی نوشته نشده است و فواید آن، در غیر آن، یافت نمی شود (عبداللهی عابد، ۱۳۸۶: ۱۷۵). کتاب طبق رتبه بندی مصادر حدیثی در رتبه الف و پایه ۷ قرار دارد.

بررسی سند روایت

۱. مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَلَمَةَ بْنِ الْبَرَاءِ الْحَافِظُ الْبَغْدَادِيُّ: محدّد بن عمر بن محمد بن سالم الجعابی: کان من حفاظ الحديث و أجلاء أهل العلم (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۹۵؛ حلّی، ۱۴۱۱: ۱۴۶)، ثقة خرج إلى سيف الدولة فقر به و اختص به و كان حفظة عارفاً بالرجال من العامة و الخاصة (طوسی، ۱۴۲۰: ۳۲۶)، کان حفظة عارفاً بالرجال من العامة و الخاصة هذا قول الشيخ الطوسي و هو لا يوجب التعديل لكنّه من المرجّحات (حلّی، ۱۴۱۱: ۱۱۹)، ثقة. إمامی صحیح المذهب ظاهراً. قامت علی عدالته قرينة.

۲. أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الثَّقَفِيُّ أَبُو الْعَبَّاسِ.

۳. عِيسَى بْنُ مُحَمَّدٍ الْكَاتِبِ.

۴. الْمَدَائِنِيُّ: عامی المذهب (طوسی، ۱۴۲۰: ۲۷۸ و ۵۴۵؛ حلّی، ۱۴۱۱: ۲۳۳ و ۲۶۷).

۵. غِيَاثُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ: ثقة، إمامی صحیح المذهب ظاهراً (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۰۵؛ حلّی، ۱۴۱۱: ۲۴۶).

سند از لحاظ اتصال، مسند و سند آن، ضعیف است.

نکاتی درباره حدیث

در سند کتاب الأمالی، محمد بن سلمه و احمد بن عبدالله الثقفی و در سند کتاب معانی الأخبار، محمد بن سالم و احمد بن عبيدالله الثقفی ذکر شده است و این حدیث جزو احادیث مسند و ضعیف است.

گذشته از ضعیف بودن روایت، نوع بیان روایت به کلام معصوم شباهتی ندارد.

۴- لی، الأمالی للصدوق العطار عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام اتَّقُوا شِرَارَ النِّسَاءِ وَكُونُوا مِنْ خِيَارِهِنَّ عَلَى حَذَرٍ إِنْ أَمَرَكُمُ بِالْمَعْرُوفِ فَخَالِفُوهُنَّ كَيْلَا يَطْمَعَنَّ مِنْكُمْ فِي الْمُنْكَرِ (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۳۰۴ ذیل حدیث)؛

ترجمه: امیر مؤمنان عليه السلام فرمود: «از زنان بد بگریز و از زنان خوب هم در حذر باش. اگر دستور خوبی هم به شما دادند، با آنها مخالفت کنی تا طمع نکنند شما را به زشتکاری کشند».

سند در الکافی

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فِي كَلَامٍ لَهُ (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۵۱۷).

سند روایت

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عليه السلام قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام مَنْ وَقَفَ نَفْسُهُ...

بررسی سند روایت

۱. أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ: أحمد بن محمد بن يحيى العطار القمي روى عنه التلعكبري وأخبرنا عنه الحسين بن عبيد الله وأبو الحسين بن أبي جيد القمي وسمع منه سنة ست وخمسين وثلاثمائة وله منه إجازة (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۱۰)، روى عنهما أبو جعفر ابن بابويه (همان: ۴۱۳)، امامی، ثقة على التحقيق.

۲. أَبِي: محمد بن يحيى العطار: شيخ أصحابنا في زمانه ثقة عين (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۵۳؛ حلی، ۱۴۱۱: ۱۵۷)، روى عنه الكليني قمي كثير الرواية (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۳۹)، امامی، ثقة، جلیل.

۳. مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ: سمع أصحابنا منه مثل أيوب بن نوح والحسن بن معاوية ومحمد بن الحسين وعلي بن الحسن بن فضال (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۱)، قال أبو عمرو

قد روى عنه الفضل وأبوه و يونس و محمد بن عيسى العبيدي و محمد بن الحسين بن أبي الخطاب و الحسن و الحسين ابنا سعيد الأهوازيان ابنا دندان و أيوب بن نوح و غيرهم من العدول و الثقات من أهل العلم (كشّى، ١٤٠٩: ٥٠٨؛ طوسى، ١٤٢٠: ٤٠٠؛ طوسى، ١٣٧٣: ٣٧٩ و ٣٩١)، جليل من أصحابنا عظيم القدر كثير الرواية، ثقة عين حسن التصانيف مسكون إلى روايته (نجاشى، ١٣٦٥: ٣٣٤؛ حلى، ١٤١١: ١٤١)، امامى، ثقة، جليل.

٤. مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ: مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانِ الزَاهِدِي: عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى الْأَسَدِي الملقب ببنان قال: كنت مع صفوان بن يحيى بالكوفة فى منزل إذ دخل علينا مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ فقال صفوان هذا ابن سنان لقد هم أن يطير غير مرة فقصصناه حتّى ثبت معنا و عنه قال: سمعت أيضاً قال كنّا ندخل مسجد الكوفة فكان ينظر إلينا مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ و يقول من أراد المعضلات فألى و من أراد الحلال و الحرام فعليه بالشيخ يعنى صفوان بن يحيى (كشّى، ١٤٠٩: ٥٠٨ و ٥٨٢)، قال أبو العباس أحمد بن مُحَمَّدُ بْنُ سَعِيدٍ إِنَّهُ رَوَى عَنْ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ وَ لَهُ مَسَائِلُ عَنْهُ مَعْرُوفَةٌ وَ هُوَ رَجُلٌ ضَعِيفٌ جَدًّا لَا يَعُولُ عَلَيْهِ وَ لَا يَلْتَفِتُ إِلَيَّ مَا تَفَرَّدَ بِهِ (نجاشى، ١٣٦٥: ٣٢٨)، و ذكر على بن مُحَمَّدُ بْنُ قَتِيْبَةِ النِّسَابُورِي عَنْ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ أَنَّهُ قَالَ كَدَتْ أَنْ أَقْنَتَ عَلَى أَبِي سَمِينَةَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلَى الصَّيْرَفِي قَالَ فَقُلْتُ لَهُ وَ لِمَ اسْتَوْجِبَ الْقَنُوتَ مِنْ بَيْنِ أَمْثَالِهِ قَالَ إِنِّي لِأَعْرِفُ مِنْهُ مَا لَا تَعْرِفُهُ وَ ذَكَرَ الْفَضْلُ فِي بَعْضِ كُتُبِهِ الْكَذَّابُونَ الْمَشْهُورُونَ أَبُو الْخَطَّابِ وَ يُونُسُ بْنُ ظَبْيَانَ وَ يَزِيدُ الصَّائِغُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ وَ أَبُو سَمِينَةَ أَشْهَرُهُمْ (كشّى، ١٤٠٩: ٥٤٦)، امامى، ضعيف، كذاب.

٥. أَبِي الْجَارُودِ: زِيَادُ بْنُ الْمُنْذَرِ: زَيْدِي الْمَذْهَبِ وَ إِلَيْهِ تَنْسَبُ الْجَارُودِيَّةُ (طوسى، ١٤٢٠: ٢٠٤ و طوسى، ١٣٧٣: ١٣٥)، كان من أصحاب أبي جعفر و روى عن أبي عبد الله عليه السلام و تغير لما خرج زيد عليه السلام (نجاشى، ١٣٦٥: ١٧٠؛ حلى، ١٤١١: ٢٢٣)، حكى أن أبا الجارود سمي سرحوبا و نسبت إليه السرحوبية من الزيدية سماه بذلك أبو جعفر عليه السلام و ذكر أن سرحوبا اسم شيطان أعمى يسكن البحر و كان أبو الجارود مكفوفاً أعمى أعمى القلب (كشّى، ١٤٠٩: ٢٢٩ و ٢٣٠). حديثه فى حديث أصحابنا أكثر منه فى الزيدية و أصحابنا يكرهون ما رواه مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ عَنْهُ وَ يَعْتَمِدُونَ مَا رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ بَكْرِ الْأَرْجَنِي (واسطى بغدادى، ١٣٦٤: ١/ ٦١)، زيدى رأس الجاروديه لم تثبته وثاقته.

سند از لحاظ اتصال، مسند است و سند، ضعیف است.

نکاتی درباره حدیث

این روایت در کتاب الکافی و وسائل الشیعة با سندی متفاوت از این سند آمده است و هر دو مرسل و ضعیف است. در وسائل الشیعة نوع سند به صورت تعلیق و ضمیر آمده است.

۵ - ب، قرب الإسناد هارون عن ابن صدقة عن الصادق عن أبيه علیه السلام قال: من اتخذ امرأة فليكرمها فإنما امرأة أحدكم لعبة فمن اتخذها فلا يضيّعها (حمیری، ۱۴۱۳: ۳۴).

ترجمه: قرب الاسناد: تا امام باقر علیه السلام فرمود: «هر که زنی دارد باید گرامی اش بشمارد که همانا همسر هر کدام شما برای سرگرمی و خوشی است؛ هر که داردش، ضایعش نکند».

بررسی کتاب قرب الاسناد

قرب الإسناد تألیف عبدالله بن جعفر حمیری از علمای شیعه در قرن سوم و چهارم هجری است. در این مجموعه، احادیثی که با واسطه کمتری از معصوم نقل شده و سلسله سند کوتاه‌تری دارند، نقل شده است. این کتاب دارای سه بخش: قرب الاسناد عن الامام الصادق، قرب الاسناد عن الامام کاظم، و قرب الاسناد عن الامام الرضا است. این شیوه‌گزینش احادیث از آن جهت مورد توجه است که زیاد شدن واسطه - حتی اگر مورد اعتماد و مؤثق باشند - احتمال اشتباه در نقل حدیث را افزایش می‌دهد. گفتنی است در آثار رجال از قرب الاسناد عن الإمام الجواد و عن القائم علیه السلام نیز نامبرده شده که به دست ما نرسیده‌اند. بخش دوم این کتاب (یعنی قرب الاسناد عن الامام کاظم علیه السلام) همان کتاب مسائل علی بن جعفر است که به روال آثار فقهی، تنظیم و عنوان‌گذاری شده است. بیشتر احادیث این کتاب را احادیث فقهی - در ابواب مختلف - تشکیل می‌دهد. علامه مجلسی و شیخ حرّ عاملی نیز احادیث این کتاب را در بحار الأنوار و وسائل الشیعة نقل کرده‌اند. قرب الاسناد با تصحیح و تحقیق مؤسسه آل البیت همراه با فهرس فنی در یک جلد چاپ شده است. در گزارش نجاشی از سه کتاب به نام‌های قرب الاسناد إلى الرضا علیه السلام، کتاب قرب الاسناد إلى أبي جعفر بن الرضا علیه السلام و کتاب قرب الاسناد إلى صاحب الامر علیه السلام یاد شده؛ در حالی که در الفهرست شیخ طوسی، تنها از یک کتاب با عنوان قرب الاسناد سخن رفته است. بررسی متن قرب الاسناد نشان می‌دهد که این



کتاب در حقیقت مجموعه‌ای از متون کهن امامیه است که احتمالاً حمیری فقط بخشی از آن را نگاشته است و بخش اعظم کتاب، متون کهن‌تر به روایت حمیری و فرد دیگری است که در ادامه از آن سخن خواهیم گفت. بررسی متن چاپ شده، روشن می‌سازد که تنها بخشی از این کتاب تألیف حمیری و بخش‌های دیگر، متون کهن‌تر امامیه به روایت حمیری است. مهم‌ترین بخش این مجموعه، کتاب مسائل علی بن جعفر (م ۲۱۰ ق) است. بررسی سلسله اسناد موجود در کتاب و نوشته‌های شرح حال‌نگاران در احوال حمیری و اجازه‌ای که در انتهای نسخه خطی کتاب آمده، موجب تردید در انتساب کتاب به حمیری است (رحمتی، بی تا: ۷۶-۷۷). این کتاب طبق رتبه‌بندی مصادر حدیثی در رتبه ب و پایه ۳ قرار دارد.

سند در وسایل الشیعة

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ: (شیخ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۶۱/۵).

بررسی سند روایت

۱. هَارُونَ بْنُ مُسْلِمٍ: له روایات عن رجال أبي عبد الله عليه السلام. ذکر ذلک ابن بطّة عن أبي عبد الله محمد بن أبي القاسم عنه. و أخبرنا ابن أبي جید عن ابن الولید عن عبد الله بن جعفر الحمیری عن هارون بن مسلم (طوسی، ۱۴۲۰: ۴۹۶). امامی، ثقة و دارای مذهب جبر و تشبیه است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۳۸؛ حلی، ۱۴۱۱: ۱۸۰).
۲. مَسْعَدَةُ بْنُ صَدَقَةَ: از اصحاب امام صادق عليه السلام و عامی یاد شده است (طوسی، ۱۳۷۳: ۱۴۶) و کشی نیز وی را ثقة اما بتری یاد کرده است (کشی، ۱۴۰۹: ۳۹۰).

نکاتی درباره حدیث

این روایت در وسایل الشیعة هم با همین سلسله سند قرب الإسناد آمده است. این حدیث به خاطر وجود راویان عامی مذهبی که تصریح به وثاقت آنان شده است، در زمره احادیث قوی قرار می‌گیرد.

در این روایت، امام باقر عليه السلام به صفت خوش رفتاری با همسر اشاره می‌فرمایند که صفت یادشده، مغایرتی با دیگر سفارش‌های اهل بیت عليهم السلام در این زمینه ندارد.

۶- ب، قرب الإسناد هَارُونُ عَنْ ابْنِ زَيْدٍ عَنِ الصَّادِقِ عَنِ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَصْنَافٌ لَا يَسْتَجَابُ دُعَاؤُهُمْ رَجُلٌ تُؤْذِيهِ امْرَأَتُهُ بِكُلِّ مَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ وَهُوَ فِي ذَلِكَ يَدْعُو اللَّهَ عَلَيْهَا وَيَقُولُ اللَّهُمَّ ارْحِنِي مِنْهَا فَهَذَا يَقُولُ اللَّهُ لَهُ عَبْدِي أَوْ مَا قَلَّدْتُكَ أَمْرَهَا فَإِنْ شِئْتَ خَلَّيْتُهَا وَإِنْ شِئْتَ أَمْسَكْتُهَا (حمیری، ۱۴۱۳: ۳۸).

بررسی سند روایت

۱. هَارُونُ بْنُ مُسْلِمٍ: له روایات عن رجال أبي عبد الله ع. ذكر ذلك ابن بطه عن أبي عبد الله محمد بن أبي القاسم عنه. وأخبرنا ابن أبي جید عن ابن الولید عن عبد الله بن جعفر الحمیری عن هارون بن مسلم (طوسی، ۱۴۲۰: ۴۹۶). امامی، ثقة و دارای مذهب جبر و تشبیه است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۳۸ وحلی، ۱۴۱۱: ۱۸۰).

۲. مَسْعَدَةُ بْنُ صَدَقَةَ: از اصحاب امام صادق ع و عامی یاد شده است (طوسی، ۱۳۷۳: ۱۴۶) و کشی نیز وی را ثقة اما بتری یاد کرده است (کشی، ۱۴۰۹: ۳۹۰).

نکاتی درباره حدیث

این حدیث به خاطر وجود راویان عامی مذهبی که تصریح به وثاقت آنان شده است، در زمره احادیث قوی قرار می گیرد.

۷- ب، قرب الإسناد ابْنُ طَرِيفٍ عَنِ ابْنِ عُلوَانَ عَنِ الصَّادِقِ عَنِ أَبِيهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ اتَّقُوا اللَّهَ اتَّقُوا اللَّهَ فِي الضَّعِيفِينَ الْيَتِيمِ وَالْمَرْأَةِ فَإِنَّ خِيَارَكُمْ خِيَارُكُمْ لِأَهْلِهِ (حمیری، ۱۴۱۳: ۴۴).

بررسی سند روایت

ابْنُ طَرِيفٍ: در کتب رجالی، ذکری از وی نشده است.
ابْنُ عُلوَانَ: در کتب رجالی، ذکری از وی نشده است.

نکاتی درباره حدیث

گرچه در مورد راویان این حدیث در کتب رجالی یادی نشده است، ولی همین حدیث در الخصال شیخ صدوق (۳۷/۱) با سندی دیگر ذکر شده است که آن سند صحیح است و از لحاظ اتصال، مسند است.



سند در الخصال

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ السُّنْدِيِّ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: اتَّقُوا اللَّهَ فِي الضَّعِيفِينَ يَعْنِي... .

۸- ل، الخصال العطار عن أبيه عن الأشعري عن علي بن السندي عن عثمان بن عيسى عن سماعة عن أبي عبد الله عليه السلام قال: اتقوا الله في الضعيفين يعني بذلك التيمم و النساء (ابن بابويه، ۱۳۶۲: ۲۲/۱).

ترجمه: سماعه از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند که فرمود: «در باره دو گروه ناتوان، از خدا بترسید. منظور از آنها یتیمان و زنان هستند».

سند روایت

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ السُّنْدِيِّ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: (ابن بابويه، ۱۳۶۲: ۳۷/۱؛ شیخ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۷۴/۲۰).

بررسی کتاب الخصال

الخصال نوشته ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق (۳۰۵-۳۸۱ هجری)، از فقها و محدثان بزرگ شیعه در قرن چهارم هجری است. شیخ صدوق در این کتاب روایات فراوانی درباره مسائل اخلاقی و عقیدتی و دیگر موضوعات مورد نیاز جامعه بشری جمع‌آوری کرده است. این کتاب در نوع و سبک خود بی‌نظیر است و اولین کتابی است که به این شیوه به نگارش در آمده است. مؤلف به شکلی زیبا و با توجه به اعداد یک تا هزار، روایات را دسته‌بندی کرده است.

شیخ صدوق درباره انگیزه نگارش این کتاب می‌گوید: «با تحقیق در تألیفات مشایخ و علمای بزرگ گذشته دریافتم که آنان در بخش‌های مختلف علوم، کتاب‌هایی نگاشته‌اند؛ اما درباره رابطه میان اعداد و صفات پسندیده و ناپسند، چیزی نگاشته نشده است. با توجه به فایده فراوان این موضوع برای جوینده علم، بر آن شدم تا برای تقرب به درگاه الهی، دست به نگارش

چنین کتابی بزعم تا به پاداش الهی و خوش بختی و رحمت خداوند متعال نایل گردم و از درگاه ایزد منان خواهانم تا امیدم را ناامید نگرداند؛ چرا که او بر هرکاری تواناست».

کتاب الخصال با وجود حجم کم، دائرة المعارف بزرگی از معارف اسلامی و احکام حلال و حرام است و هیچ فقیه دانشمند و یا ادیب نام‌آوری از آن بی‌نیاز نیست. همچنین این کتاب، به مباحث تاریخی، تفسیر قرآن، نکات فلسفی و مسائل سیاسی نیز اشاره دارد. الخصال با مطالب مفید و مباحث گران‌قدر خود از مجموعه‌های نفیس روایات اهل بیت رسول خدا ﷺ به شمار می‌آید. این کتاب نیز مانند دیگر کتاب‌های شیخ صدوق مورد توجه خاص علما و فقهای شیعه قرار گرفته و روایات آن در بسیاری از مجموعه‌های روایی شیعه مانند کتب اربعه و بحار الأنوار آمده و نقل آنها زینت‌بخش کتب روایی علمای متأخر از شیخ صدوق شده است. کتاب شامل ۱۲۵۵ حدیث است و در ۲۶ باب مجزا تنظیم شده است. عنوان‌بندی باب‌ها بر اساس ارقام است بدین شکل که روایات شامل یک خصلت در یک باب آمده و شامل دو خصلت در بابی و شامل سه خصلت در بابی دیگر و... .

روایات این کتاب از نظر موضوع بسیار گسترده است و درباره هر یک از موضوعات اخلاقی و عقیدتی روایاتی نقل شده که به شکلی با اعداد در ارتباطند، مانند:

- یک صفت از دوستی دنیا، یک صفت در برابر پنج خصلت؛

- دو صفت شیعه؛

- تا سه خصلت در کسی نباشد مؤمن نیست و... .

این کتاب طبق رتبه‌بندی مصادر حدیثی، در رتبه الف و پایه ۶ قرار دارد.

بررسی سند روایت

۱. أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ: العطار القمي روى عنه التلعكبري وأخبرنا عنه الحسين بن عبيد الله و أبو الحسين بن أبي جید القمي و سمع منه سنة ست و خمسين و ثلاثمائة و له منه إجازة (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۱۰)، روى عنهما أبو جعفر ابن بابويه (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۱۳).

۲. أبي: محمد بن يحيى العطار: شيخ أصحابنا في زمانه ثقة عين (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۵۳؛ حلی، ۱۴۱۱: ۱۵۷)، روى عنه الكليني قمی كثير الرواية (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۳۹)، امامی، ثقة جلیل.

٣. مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ: أحمد بن محمد بن عيسى القمي قال بعث إلى أبو جعفر عليه السلام غلامه و معه كتابه فأمرني أن أصير إليه فأتيته فهو بالمدينة نازل في دار بزيع فدخلت عليه و سلمت عليه فذكر في صفوان و محمد بن سنان و غيرهما مما قد سمعه غير واحد فقلت في نفسي استعطفه على زكريا بن آدم لعله أن يسلم مما قال في هؤلاء ثم رجعت إلى نفسي فقلت من أنا أن أتعرض في هذا و في شبهه مولاي هو أعلم بما يصنع فقال لي يا أبا علي ليس على مثل أبي يحيى يعجل و قد كان من خدمته لأبي عليه السلام و منزلته عنده و عندي من بعده غير أني احتجت إلى المال الذي عنده فقلت جعلت فداك هو باعث إليك بالمال و قال لي إن وصلت إليه فأعلمه أن الذي منعني من بعث المال اختلاف ميمون و مسافر فقال احمل كتابي إليه و مره أن يبعث إلى بالمال فحملت كتابه إلى زكريا فوجه إليه بالمال قال فقال لي أبو جعفر عليه السلام ابتداء منه ذهب الشبهة ما لأبي ولد غيري فقلت صدقت جعلت فداك (كشي، ١٤٠٩ ق، ص ٥٩٦). فمنها ما كتب إلى به أبو العباس أحمد بن علي بن نوح السيرافي عليه السلام في جواب كتابي إليه و الذي سألت تعريفه من الطرق إلى كتب الحسين بن سعيد الأهوازي عليه السلام فقد روى عنه أبو جعفر أحمد بن محمد بن عيسى الأشعري القمي و أبو جعفر أحمد بن محمد بن خالد البرقي و الحسين بن الحسن بن أبان و أحمد بن محمد بن الحسن بن السكن القرشي البردعي و أبو العباس أحمد بن محمد بن الدينوري فأما ما عليه أصحابنا و المعول عليه ما رواه عنهما أحمد بن محمد بن عيسى (نجاشي، ١٣٦٥: ٥٩)، ثقة (طوسي، ١٣٧٣: ٣٥١). أبو جعفر عليه السلام شيخ القميين و وجههم و فقيهم غير مدافع و كان أيضا الرئيس الذي يلقي السلطان بها (نجاشي، ١٣٦٥: ٨٣؛ طوسي، ١٤٢٠: ٦١؛ حلم، ١٤١١: ١٤).

٤. عَلِيُّ بْنُ السُّنْدِيِّ: على بن إسماعيل السندی بن عیسی الأشعری: نصر بن الصباح قال على بن إسماعیل ثقة (کشی، ١٤٠٩: ٥٩٨)، أحمد بن محمد قال أحد القوم عثمان بن عیسی وکان یكون بمصر وکان عنده مال کثیر و ست جوار فبعث إليه أبو الحسن عليه السلام فیهن و فی المال و کتب إليه أن أبی قد مات و قد اقتسمنا میراثه و قد صحت الأخبار بموته و احتج علیه قال فکتب إليه أن لم یکن أبوک مات فلیس من ذلك شیء و إن کان قد مات على ما تحکی فلم یأمرنی بدفع شیء إليك و قد أعتقت الجوارى (کشی، ١٤٠٩: ٥٩٩)، إمامی ثقة على التحقيق فقد

أكثر محمد بن علي بن محبوب من الرواية عنه. و روى عنه محمد بن أحمد بن يحيى بن عمران و لم يستثنه ابن الوليد من مشايخه.

۵. عُثْمَانُ بْنُ عِيسَى: واقفي المذهب (طوسی، ۱۴۲۰: ۳۴۶؛ طوسی، ۱۳۷۳: ۳۴۰ و ۳۶۰)، أجمع أصحابنا على تصحيح ما يصح عن هؤلاء و تصديقهم و أقرؤا لهم بالفقه و العلم و هم ستة نفر آخر دون الستة نفر الذين ذكرناهم في أصحاب أبي عبد الله عليه السلام منهم يونس بن عبد الرحمن و صفوان بن يحيى بياح السابري و محمد بن أبي عمير و عبد الله بن المغيرة و الحسن بن محبوب و أحمد بن محمد بن أبي نصر و قال بعضهم مكان الحسن بن محبوب الحسن بن علي بن فضال و فضالة بن أيوب و قال بعضهم مكان ابن فضال عثمان بن عيسى و ألقه هؤلاء يونس بن عبد الرحمن و صفوان بن يحيى (كشي، ۱۴۰۹: ۵۵۶).

۶. سَمَاعَةُ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْحَضْرَمِيِّ: مولى عبد بن وائل بن حجر الحضرمي يكنى أبا ناضرة و قيل أبا محمد روى عن أبي عبد الله و أبي الحسن عليهما السلام مات بالمدينة ثقة ثقة و كان واقفياً (حلي، ۱۴۱۱: ۱۲۲۸).
سند این روایت از لحاظ اتصال، مسند است و سند آن صحیح است.

نکاتی درباره حدیث

سند این روایت، صحیح است و با همین سند در وسایل الشیعة و الکافی هم آمده و در قرب الإسناد هم همین روایت با سندی از ابی جعفر آمده است. از لحاظ محتوا این روایت منافاتی با کلام معصوم ندارد. در این روایت دو گروه زنان و یتیمان را بیان می‌دارد که ناتوان‌اند از این جهت که آنها در بعضی شرایط، توانایی دفاع از خود را ندارند و تذکر داده شده که حقی از این دو گروه پایمال نشود. مضمون این روایت مضمون روایت قبل است.

۹- ل، الخصال أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الرَّازِيِّ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ صَدَقَ لِسَانُهُ زَكَا عَمَلُهُ وَ مَنْ حَسَنَتْ نِيَّتُهُ زَادَ اللَّهُ فِي رِزْقِهِ وَ مَنْ حَسَنَ بَرُّهُ بِأَهْلِهِ زَادَ اللَّهُ فِي عُمْرِهِ (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۸۸/۱؛ شیخ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۵۵/۱).

ترجمه: محمد بن مسلم از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند که فرمود: «کسی که زبانش راستگو

باشد، عملش رشد می‌کند و کسی که نیتش خوب باشد، خداوند بر روزی او می‌افزاید و کسی که به خانواده‌اش نیکی کند، خداوند بر عمر او می‌افزاید» (ابن بابویه، ۱۳۸۲: ۱۳۷/۱).

سند روایت

وَفِي الْخِصَالِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الرَّازِيِّ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَنْ صَدَقَ لِسَانُهُ زَكَا عَمَلُهُ....

بررسی سند روایت

۱. محمد بن علی بن الحسین بن بابویه: جلیل القدر حفظة بصیر بالفقه و الأخبار و الرجال (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۳۹)، شیخنا و فقیهنا و وجه الطائفة بخراسان و کان ورد بغداد سنة خمس و خمسين و ثلاثمائة و سماع منه شیوخ الطائفة و هو حدث السن (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۹۰؛ حلی، ۱۴۱۱: ۱۴؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۴۴۴)، شیخ القمیین فی عصره و متقدمهم و فقیههم و ثقتهم کان قدم العراق و اجتمع مع أبی القاسم الحسین بن روح - رحمه الله - و سأله مسائل ثم کاتبه بعد ذلك علی يد علی بن جعفر بن الأسود یسأله أن یوصل له رقعة إلی الصاحب عليه السلام و یسأله فیها الولد فکتب إلیه قد دعونا الله لک بذلك و سترزق ولدین ذکرین خیرین فولد له أبو جعفر و أبو عبد الله من أم ولد (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۶۲)، امامی، ثقة جلیل.

۲. أبیه: علی بن الحسین بن بابویه: علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی یکنی أبا الحسن ثقة له تصانیف ذکرناها فی الفهرست روی عنه التلعکبری قال: سمعت منه فی السنة التي تهافتت فیها الکواکب دخل بغداد فیها و ذکر أن له منه إجازة بجمیع ما یرویه (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۳۲)، الفقیه الجلیل المعظم الثقة الورع المصنف قدم العراق و اجتمع مع أبی القاسم الحسین بن روح و سأله مسائله لم کاتبه بعد ذلك علی يد علی بن جعفر بن الأسود یسأله أن یوصل له رقعة إلی الصاحب عليه السلام یسأله فیها الولد (حلی، ۱۳۴۲: ۲۴۱)، امامی، ثقة جلیل.

۳. أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ القمی: کان ثقة فقیها فی أصحابنا کثیر الحدیث صحیح الروایة (نجاشی، ۱۳۶۵: ۹۲؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۶۴؛ حلی، ۱۴۱۱: ۱۶).

۴. مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ: مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بن احمد بن یحیی بن عمران الأشعری: کان ثقة فی الحدیث

جليل القدر كثير الرواية إلا أن أصحابنا قالوا إنه يروى عن الضعفاء و يعتمد المراسيل و لا يبالى
عمن أخذ و ما عليه فى نفسه طعن فى شىء (حلى، ١٤١١: ١٤٦؛ نجاشى، ١٣٦٥: ٣٤٨؛
طوسى، ١٤٢٠: ٤١٠).

٥. عَبْدُ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الرَّازِىّ: عندى فيه توقف (حلى، ١٤١١: ٢٣٨)، لم تثبت وثاقته، رمى
بالغلو و التخليط.

٦. بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ: ضعيف جداً كثير التفرد بالغرائب (واسطى بغدادى، ١٣٦٤: ١/ ٤٤؛
حلى، ١٤١١: ٢٠٨؛ نجاشى، ١٣٦٥: ١٠٩)، إمامى، ثقة على التحقيق و ربما ضعف فقد أكثر
أحمد بن محمد بن عيسى الأشعرى من الرواية عنه. و أما تضعيفه فغير مقبول لاحتمال كونه
مبنياً على الغلو.

٧. أَبِي أَيُّوبَ: إبراهيم ابو ايوب الخراز: أبو أيوب الخراز بالراء المهملة قبل الألف و المعجمة
بعدها هو إبراهيم بن عثمان و قيل بن عيسى (حلى، ١٣٤٢: ٣٩١؛ حلى، ١٤١١: ٢٦٩).

٨. مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ: الطحان طائفى و كان أعور (طوسى، ١٣٧٣: ١٤٤)، إمامى، دلت على
صحّة مذهبه الرواية. ممدوح فى الرواية.

نكاتى درباره روايت

اين روايت از لحاظ سند، صحيح است. همين روايت با اسناد ديگرى در كتاب الكافى آمده
است كه سند آن روايت هم صحيح است. از لحاظ مضمون چون با سخنان اهل بيت عليهم السلام تطابق
دارد، مورد قبول است.

١٠- ل، الخصال ابن المتوكل عن السعد آبادي عن البرقي عن أبيه عن محمد بن سنان عن
أبي الجارود عن ابن طريف عن ابن نباتة قال قال أمير المؤمنين عليه السلام الفتن ثلاث حب النساء و هو
سيف الشيطان و شرب الخمر و هو فح الشيطان و حب الدينار و الدرهم و هو سهم الشيطان
فمن أحب النساء لم ينتفع بعيشه و من أحب الأشرية حرمت عليه الجنة و من أحب الدينار و
الدرهم فهو عبد الدنيا (ابن بابويه، ١٣٦٢: ١٠/ ١١٣).

ترجمه: اصبح بن نباته از امير المؤمنين عليه السلام نقل مى کند كه فرمود: «فتنه ها در سه چيز است:
محبت زنان و آن شمشير شيطان است؛ و خوردن شراب و آن تله شيطان است؛ و محبت دينار و
درهم و آن، تير شيطان است. پس هر كسى زنان را دوست داشته باشد، از زندگى خود سودى



نمی‌برد و هر کس شراب را دوست داشته باشد، بهشت بر وی حرام است و هر کس دینار و درهم را دوست داشته باشد، دنیا را پرستش کرده است». نیز فرمود: «عیسی بن مریم فرمود: دینار، بیماری دین و عالم، طیب دین است؛ پس هر گاه طیبی را دیدید که مرض را به طرف خود می‌کشد، او را متهم کنید و بدانید که او نمی‌تواند نصیحت‌کننده دیگران باشد» (ابن بابویه، ۱۳۸۲: ۱/۱۷۵).

سند روایت

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدَآبَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ زِيَادِ بْنِ الْمُنْذِرِ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام الْفِتْنُ ثَلَاثُ حُبِّ النِّسَاءِ وَ...

بررسی سند روایت

۱. مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ: امامی ثقة جلیل (حلی، ۱۴۱۱: ۱۴۹).
۲. عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدَآبَادِيُّ: امامی ثقة علی التحقیق.
۳. أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ: احمد بن محمد خالد البرقی: امامی ثقة جلیل. شرح آن در حدیث شماره ۲ گذشت.
۴. أَبِيهِ: محمد بن خالد البرقی: امامی ثقة. نجاشی می‌گوید: او در حدیث، ضعیف است. شرح آن در حدیث شماره ۲ گذشت.
۵. مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ: محمد بن سنان الزاهدی: امامی مختلف فیہ رمی بالارتفاع علی التحقیق. شرح آن در حدیث شماره ۴ گذشت.
۶. زِيَادِ بْنِ الْمُنْذِرِ: زیدی راس الجارودیه لم تثبته وثاقته. شرح آن در حدیث شماره ۴ گذشت.
۷. سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ: هو صحيح الحديث (طوسی، ۱۳۷۳: ۱۱۵)، يعرف و ينكر (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۷۸)، ضعیف (واسطی بغدادی، ۱۳۶۴: ۱/۶۴).
۸. الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ: نصر بن الصباح البلخی قال حدثنا أحمد بن محمد بن عيسى عن الحسين بن سعيد عن إسماعيل بن بزيع عن أبي الجارود قال قلت للأصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ ما كان منزلة

هذا الرجل فيكم قال: ما أدري ما تقول إلا أن سيوفنا كانت على عواتقنا فمن أومى إليه ضربناه بها و كان يقول لنا تشرطوا فوالله ما اشتراطكم لذهب و لا لفضة و ما اشتراطكم إلا للموت إن قوما من قبلكم من بنى إسرائيل تشارطوا بينهم فما مات أحد منهم حتى كان نبي قومه أو نبي قريته أو نبي نفسه و إنكم ليمنزلتهم غير أنكم لستم بأنبياء (كشّی، ۱۴۰۹: ۵ و ۱۰۳)، كان من خاصة أمير المؤمنين عليه السلام و عمر بعده و هو مشكور (نجاشی، ۱۳۶۵: ۸؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۸۹؛ حلی، ۱۴۱۱: ۲۴)، جعفر بن فضیل قال قلت لمحمد بن فرات لقيت أنت الأصيغ قال نعم لقيته مع أبي فرأيت شيخاً أبيض الرأس و اللحية طوالاً قال له أبي حدثنا بحديث سمعته من أمير المؤمنين عليه السلام قال سمعته يقول على المنبر أنا سيد الشيب و في سنة من أيوب و ليجمعن الله لي شملی كما جمعه لأيوب قال فسمعت هذا الحديث أنا و أبي من الأصيغ بن نباتة قال فما مضى بعد ذلك إلا قليل حتى توفي عليه السلام (كشّی، ۱۴۰۹: ۲۲۲)، امامی ثقة جلیل من سلفنا الصالحين.

سند این روایت، ضعیف است و از لحاظ ات، صال، مسند است و نوع سند، عادی است.

نکاتی درباره روایت

گرچه این روایت از کتاب الخصال صدوق نقل شده - که در رتبه الف قرار دارد و دارای ارزش بالایی است - ولی سند این روایت، ضعیف است و مضمون روایت با کلام معصوم شباهتی ندارد.

۱۱- ل، الخصال ابن المَوَكَّلِ عَنِ السَّعْدِ أَبَدِيِّ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: خَمْسٌ مِنْ خَمْسَةِ مُحَالٍ النَّصِيحَةُ مِنَ الْحَاسِدِ مُحَالٌ وَ الشَّفَقَةُ مِنَ الْعَدُوِّ مُحَالٌ وَ الْحُرْمَةُ مِنَ الْفَاسِقِ مُحَالٌ وَ الْوَفَاءُ مِنَ الْمَرْأَةِ مُحَالٌ وَ الْهَيْبَةُ مِنَ الْفَقِيرِ مُحَالٌ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲۵/۱۰۰؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۱/۲۶۹).

ترجمه: امام صادق عليه السلام فرمود: «پنج چیز از پنج کس محال است: نصیحت‌گویی از حسود؛ مهربانی از دشمن؛ حرمت از فاسق؛ وفا از زن؛ و قار از فقیر» (ابن بابویه، ۱۳۸۲: ۱/۳۹۳).

سند روایت

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِ أَبَدِيُّ

عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ بِإِسْنَادِهِ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: خَمْسٌ مِنْ خَمْسَةِ مُحَالٍ النَّصِيحَةِ....

بررسی سند روایت

۱. مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ: امامی ثقة جلیل. شرح آن در روایت قبلی گذشت.
۲. عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِ أَبَادِي: امامی ثقة علی التحقیق.
۳. أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ: احمد بن محمد بن خالد البرقی: امامی ثقة جلیل. شرح آن در روایت ۲ گذشت.

۴. أَبِيهِ: محمد بن خالد البرقی: شرح آن در روایت ۲ گذشت.
- سند روایت از لحاظ اتصال، مرفوع و سند آن، ضعیف است.

نکاتی درباره حدیث

سند این روایت مرفوع و ضعیف است و مضمون حدیث با کلام معصومان علیهم السلام مطابقت ندارد.

۱۲- ل، الخصال أَبِي عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَوَّلُ مَا عُصِيَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِسِتَّةٍ خِصَالٍ حُبُّ الدُّنْيَا وَحُبُّ الرِّئَاسَةِ وَحُبُّ الطَّعَامِ وَحُبُّ النَّسَاءِ وَحُبُّ النَّوْمِ وَحُبُّ الرَّاحَةِ (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۱/ ۳۳۰؛ شیخ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰/ ۲۶).

ترجمه: عبدالله بن سنان از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند که پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود: «نخستین چیزهایی که با آنها به خدا نافرمانی شد، شش چیز است: دوست داشتن دنیا؛ دوست داشتن ریاست؛ دوست داشتن غذا؛ دوست داشتن زن‌ها؛ دوست داشتن خواب؛ دوست داشتن راحتی» (ابن بابویه، ۱۳۸۲: ۱/ ۴۸۱).

سند روایت

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَوَّلُ مَا عُصِيَ اللَّهُ تَبَارَكَ....

بررسی سند روایت

۱. اَبی: علی بن الحسین بن بابویه: امامی ثقة جلیل.
 ۲. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ: ثقة فی الحديث ثبت معتمد صحیح المذهب (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۶۰)، امامی ثقة جلیل.
 ۳. أَبیه: ابراهیم بن هاشم القمی: أصحابنا یقولون إنه أول من نشر حدیث الکوفیین بقم و ذکرُوا أَنَّهُ لَقِيَ الرِّضَا (ع) و هو تلمیذ یونس بن عبد الرحمن من أصحاب الرضا (ع) و لم أفق لأحد من أصحابنا علی قول فی القدح فیهِ و لا علی تعدیلهِ بالتتصیص و الروایات عنه کثیرة و الأرجح قبول قوله (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۶؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۱۲؛ حلی، ۱۴۱۱: ۵)، امامی ثقة.
 ۴. عَلِيُّ بْنُ مَعْبُدٍ: امامی ثقة.
 ۵. عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْقَاسِمِ: عبدالله بن القاسم بن الحارث الحضرمی البطل: کذاب غال واقفی. شرح آن در روایت ۲ آمده است.
 ۶. عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِنَانٍ: عبدالله بن سنان مولی بنی هاشم: ثقة (طوسی، ۱۴۲۰: ۲۹۱)، عن الفضل بن شاذان عن أبیه عن یونس بن عبد الرحمن عن عبد الله بن سنان و كان رحمه الله من ثقات رجال أبي عبد الله (ع) (کشی، ۱۴۰۹: ۴۱۰)، ثقة من أصحابنا جلیل لا یطعن علیه فی شیء (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۱۴؛ حلی، ۱۴۱۱: ۱۰۵)، حدثنی محمد بن قولویه قال حدثنی سعد بن عبد الله بن أبي خلف عن محمد بن أحمد بن یحیی عن الحسن بن الحسن اللؤلؤی عمن ذکره عن عمر بن یزید قال سمعت أبا عبد الله (ع) یقول و ذکر عبد الله بن سنان فقال أما إنه یزید علی السن خیراً (کشی، ۱۴۰۹: ۴۱۱)، امامی ثقة جلیل.
- سند این روایت، ضعیف است و از لحاظ اتصال، مسند است.

نکاتی درباره حدیث

سند این روایت، مسند و ضعیف است و مضمون روایت با عقل، سازگاری ندارد و این روایت مورد قبول نیست و در این روایت «سِتَّةٌ خِصَالٍ» آمده است و در برخی نسخ «أول ما عصی الله به ستّ خصال» آمده است.

۱۳ - جا، المجالس للمفید ما، الأمالی للشیخ الطوسی المَفِیدُ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَرْبَعَةٌ مَفْسَدَةٌ لِلْقُلُوبِ الْخَلْوَةُ بِالنِّسَاءِ وَ الْإِسْتِمْتَاعُ مِنْهُنَّ وَ الْأَخْذُ بِرَأْيِهِنَّ وَ مُجَالَسَةُ

الْمَوْتَى فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا مُجَالَسَةُ الْمَوْتَى قَالَ مُجَالَسَةُ كُلِّ ضَالٍّ عَنِ الْإِيمَانِ وَ جَائِرٍ عَنِ الْأَحْكَامِ (طوسی، ۱۴۱۴: ۸۱/۱؛ مفید، ۱۳۶۴: ۱۶۸).

ترجمه: ابوالمجبر گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: «چهار چیز دل‌ها را به تباهی می‌کشاند: با زنان به خلوت نشستن و گوش دادن به آنان، و به رأی آنان عمل نمودن، و همنشینی با مردگان». عرض شد: ای رسول خدا! همنشینی با مردگان چیست؟ فرمود: «همنشینی با هر کسی که از راه ایمان گمراه است، و با هر کس که در صدور احکام و داوریی‌ها ستمکار است (مفید، ۱۳۶۴: ۳۵۹).

معرفی الأمالی مفید

الأمالی، نوشته ابو عبد الله محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی معروف به شیخ مفید (۳۳۶ - ۴۱۳ ق) است. کتاب شامل روایات اخلاقی، اعتقادی و تاریخ اسلام به زبان عربی است. شیخ مفید، کتاب را در طول هفت سال، در ماه‌های مبارک رمضان و در ۴۲ جلسه برای یاران خود املاء کرده‌اند. نجاشی، این کتاب را «الأمالی المتفرقات» نامیده است؛ زیرا از سال ۴۰۴ تا ۴۱۱ ق، املاي آن به طول انجامیده است. در کتب تراجم، بیش از سی کتاب با عنوان «الأمالی» ذکر شده که کتب بزرگانی چون شیخ مفید، شیخ صدوق و شیخ طوسی از مشهورترین آنهاست.

امالی، عبارت است از مطالبی که استاد در مجلس‌ها یا زمان‌های خاص از حفظ یا از روی کتاب خود برای شاگردان می‌خواند و آنها همه مطالب را می‌نویسند، لذا به آن، «المجالس» و «عرض المجالس» هم می‌گویند. این نوع از آموزش، بهترین شیوه‌ای است که در طول تاریخ ثبت شده و دقیق‌ترین روش برای انتقال کاملاً صحیح مطالب به شاگردان است.

شیوه‌ای امالی‌نویسی، از رایج‌ترین شیوه‌های نقل روایات اهل بیت (ع)، در میان علمای اسلام بوده است؛ خصوصاً در آن زمان‌ها که امکانات چاپ و نشر کتاب به راحتی این دوره نبوده است.

کتاب، مشتمل بر ۴۲ مجلس است که مجموع این مجالس، ۳۸۷ روایت را در بر گرفته است. بیشترین روایات (۴۷ روایت)، در مجلس بیست و سوم و کمترین روایات (۴ روایت)، در مجلس سی و یکم ذکر شده است.

در این کتاب، موضوعات بسیار متنوعی در قالب روایت ذکر شده است؛ موضوعاتی از قبیل ثبت اعمال انسان توسط فرشته، حب اهل بیت از اسباب دخول در بهشت، استغفار نبی ﷺ برای شیعه، از جمله مواعظ علی ﷺ در باره آرزوی دراز و پیروی از هوای نفس، آخرین خطبه‌ای که پیامبر ﷺ ایراد فرمودند، عرضه کردن ولایت بر همه مخلوقات، کفاره غیبت کردن، فضیلت گریه در مصیبت اهل بیت ﷺ و... .

این کتاب، طبق رتبه‌بندی مصادر حدیثی، در رتبه ب و پایه ۱ قرار دارد.

معرفی الأمالی طوسی

الأمالی، تألیف شیخ الطائفه، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ ق) است. این کتاب، شامل روایاتی است که شیخ الطائفه در نجف اشرف طی جلسات منظمی برای شاگردان خود املاء می‌کرده است. این واقعه، بعد از آن است که در سال ۴۴۸ ق، حوزه نجف از رونق افتاده بود و شیخ طوسی آن را احیاء نمود و شروع به تربیت شاگردان در آن حوزه علمیه مقدس نمود. اولین مجلس کتاب، در سال ۴۵۵ ق و آخرین آنها در سال ۴۵۸ ق، برقرار شده است. از مجلس نوزدهم تا پایان کتاب، روزهای جمعه برگزار می‌شده که تاریخ دقیق آنها در ابتدای هر مجلس ذکر شده است.

کتاب، دارای ۱۵۳۷ روایت است که در ۴۶ مجلس تنظیم شده است و در چاپ حاضر، برای روایات، شماره مسلسل زده شده و روایات هر مجلس نیز شماره ردیف خورده است. گرچه کتاب الأمالی طوسی، ترتیب موضوعی ندارد و از این جهت، به دست آوردن موضوعی خاص در کتاب مشکل به نظر می‌رسد، اما با نگاهی گذرا به کتاب، خواننده درمی‌یابد که روایات اثبات ولایت و فضایل امیر المؤمنین ﷺ، حجم فراوانی از کتاب را در بر گرفته است.

شیخ طوسی، با دقت، تمام سلسله سند روایات را ذکر کرده و روایت مرسله یا مقطوعه در میان آنها اندک است؛ لذا می‌توان چنین گفت که الأمالی شیخ طوسی، حاوی روایات منتخبی است که شیخ از بین هزاران روایت که در اختیار داشته انتخاب کرده است.

کتاب از حیث تنوع موضوعات، بسیار جالب است؛ چرا که موضوعاتی همچون اصول دین

و معرفة الله و فضایل معصومان و سیره نبوی و ادعیه مأثوره و وقایع تاریخی و سیاسی، مانند هجرت به حبشه و مقتل امام حسین علیه السلام و قیام مختار را در بر می گیرد. در کنار روایات مربوط به امور یادشده، روایات اخلاقی در موضوعات گوناگون و روایات آداب، مانند آداب خوردن و آشامیدن و آداب مسجد نیز به چشم می خورد. الأمالی شیخ طوسی، توسط فرزند بزرگوار او، ابو علی طوسی، روایت شده و به همین خاطر، بعضی ها قسمت هایی از کتاب را از ابو علی دانسته اند؛ در حالی که صحیح نیست و تمام این کتاب، املاء شیخ است به شاگردانش که از جمله آنها، ابو علی بوده است. این کتاب طبق رتبه بندی مصادر حدیثی در رتبه ب و پایه ۲ قرار دارد.

سند در وسایل الشیعة

الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الطُّوسِيُّ فِي مَجَالِسِهِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْمُفِيدِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ خَالِدٍ الْمَرَاغِيِّ عَنْ ثَوَابَةَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ سَيَّابَةَ بْنِ سَوَّارٍ عَنِ الْمُبَارَكِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ خَلِيدِ الْفَرَاءِ عَنْ أَبِي الْحَيْرِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَرْبَعَةٌ مَفْسَدَةٌ لِلْقُلُوبِ الْخَلْوَةُ بِالنِّسَاءِ (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۶/۲۲۶).

سند در الأمالی مفید

قال أخبرني أبو الحسن علي بن خالد المراغي قال حدثنا ثوبان بن يزيد^۱ قال حدثنا أحمد بن علي بن المثنى عن محمد بن المثنى عن شبابة بن سوار قال حدثني المبارك بن سعيد عن خليل الفراء عن أبي المعبر قال قال رسول الله ﷺ أربعة مفسدة للقلوب الخلوة بالنساء...

سند در الأمالی طوسی

أخبرنا أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان، قال: أخبرنا أبو الحسن علي بن خالد المراغي، قال: حدثنا ثوبان بن يزيد، قال: حدثنا أحمد بن علي بن المثنى، عن شبابة بن سوار، قال: حدثني مبارك بن سعيد، عن خليل الفراء، عن أبي المعبر، قال: قال رسول الله ﷺ: أربعة مفسدة للقلوب...

۱. هو أبو بكر ثوبان بن يزيد بن ثواب المعنون في تاريخ الخطيب.

بررسی سند روایت

۱. الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الطُّوسِيِّ: امامی ثقة جلیل.
۲. أَبِيهِ: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الطُّوسِيِّ: امامی ثقة جلیل.
۳. الْمُفِيدُ: مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ نَعْمَانَ الْمُفِيدِ: امامی ثقة جلیل.
۴. عَلِيُّ بْنُ خَالِدٍ الْمُرَاقِي: أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنِ بْنِ خَالِدِ الْمُرَاقِي: در کتب رجالی نامی از آنها برده نشده است.

۵. ثَوَابَةُ بْنُ يَزِيدَ.

۶. أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ: أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْمُثَنَّى.

۷. سَيَّابَةُ بْنُ سَوَّارٍ: شَبَابَةُ بْنُ سَوَّارٍ الْغَزَّارِي.

۸. الْمُبَارَكُ بْنُ سَعِيدٍ.

۹. خَلِيدُ الْفَرَّاءِ.

۱۰. أَبِي الْخَيْرِ أَبِي الْمُحَبَّرِ.

سند این روایت، ضعیف است و از لحاظ اتصال سند، مسند است.

نکاتی درباره حدیث

این روایت از لحاظ سند، مسند و ضعیف است.

۱۴- ما، الأمامی للشیخ الطوسی بِإِسْنَادٍ أَخِي دُعْبِلٍ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ عَنِ الْبَاقِرِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنَّهُ قَالَ: أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ قَالَ مِمَّا رَزَقَكُمْ اللَّهُ عَلَى مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فِيمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ فِي الضَّعِيفِينَ النِّسَاءِ وَ الْيَتِيمِ فَإِنَّمَا هُمْ عَوْرَةٌ (طوسی، ۱۴۱۴: ۱/ ۳۸۰).

ترجمه: انفاق کنید از آنچه خداوند شما را روزی داده است. از خدا بترسید و در حفظ و صیانت یتیمان و بانوان بکوشید که ضایع ماندن یتیمان و بانوان، مایه رسوایی است.

بررسی سند روایت

دُعْبِلُ: دَعْبِلُ بْنُ عَلِيٍّ خَزَاعِي: قَالَ أَبُو عَمْرٍو بُلْغَنِي أَنَّ دَعْبِلَ بْنَ عَلِيٍّ وَفَدَ عَلِيَّ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا (ع) بِخُرَاسَانَ فَلَمَّا دَخَلَ عَلَيْهِ قَالَ لَهُ إِنِّي قَدْ قُلْتُ قَصِيدَةً وَجَعَلْتُ فِي نَفْسِي أَنْ لَا أُنْشِدَهَا أَحَدًا أَوْلَى مِنْكَ فَقَالَ هَاتِهَا فَأَنْشَدَهُ قَصِيدَتَهُ الَّتِي يَقُولُ فِيهَا أَلَمْ تَرَ أَنِّي مَذْ ثَلَاثِينَ حُجَّةَ أَرْوَحِ

و أغدو دائم الحسرات أرى فيئهم فى غيرهم متقسما و أيدىهم من فيئهم صفرات قال فلما فرغ من إنشادها قام أبو الحسن عليه السلام فدخل منزله و بعث إليه بخرقه خز فيها ستمائة دينار و قال للجارية قولى له يقول لك مولاى استعن بهذه على سفرك و أعذرنا فقال له دعبل لا و الله ما هذا أردت و لا له خرجت و لكن قولى له هب لى ثوباً من ثيابك فردها عليه أبو الحسن عليه السلام و قال له خذها و بعث إليه بجبة من ثيابه (كشى، ۱۴۰۹: ۵۰۵)، مشهور فى أصحابنا حاله مشهور فى الإيمان و علو المنزلة عظيم الشأن (نجاشى، ۱۳۶۵: ۱۶۲؛ حلى، ۱۴۱۱: ۷۰)، كان أويس من خيار التابعين لم ير النبى صلى الله عليه وآله و لم يصحبه (كشى، ۱۴۰۹: ۹۹)، امامى، ثقة و شاعر اهل بيت عليه السلام.
سند این روایت، موثق است.

نکاتی درباره حدیث

این روایت در دو جا آمده است یکی در بحار الأنوار و دیگری در الأمالی طوسی و از لحاظ سند، موثق است و مضمون روایت، مورد قبول است و روایتی با این مضمون، ولی کمی مختصرتر در روایت شماره ۷ و ۸ از همین باب آمده است.

نتیجه گیری

جهت صحت و سقم روایات «فضل حب النساء»، اولاً ترجمه‌ای از روایات ارائه شد. ثانیاً روایت از کتاب‌هایی که از نظر اعتبار دارای رتبه الف و ب هستند، مانند: الأمالی صدوق، علل الشرائع و معانی الأخبار صدوق، قرب الاسناد حمیری، الخصال شیخ صدوق، الأمالی شیخ مفید و الأمالی شیخ طوسی، مصدق‌یابی شدند. ثالثاً سند روایات با توجه به آنچه در کتب آمده، مورد بررسی قرار گرفت که گاه به صورت مرسل و ضعیف و گاه به صورت مرفوع آمده بود. رابعاً راویان سند احادیث، از نظر رجال‌شناسی، بررسی شدند تا وثاقت آن‌ها مشخص شود. گاه اشخاصی در سند روایات بودند که در کتب رجالی نامی از آن‌ها نیامده است، مانند: علی بن احمد بن عبدالله بن احمد بن ابی عبدالله البرقی در روایت اول.

بنابراین با بررسی روایاتی از این باب و اعمال مراتب فوق می‌توان دریافت که بعضی از این احادیث، ضعیف و غیر قابل اعتمادند و بعضاً در منابع دیگر ذکر نشده‌اند.

کتابنامه

* قرآن کریم.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۵ ش)، علل الشرایع، قم: کتابفروشی داوری.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۶ ش)، الأمالی (للصدوق)، ترجمه: کمره‌ای، تهران: کتابچی، ششم.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۶ ش)، معانی الأخبار، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیه قم و مؤسسة النشر السلامی، اول.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۷ ش)، معانی الأخبار، ترجمه: محمدی، تهران: بی‌نا، دوم.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۲ ش)، الخصال، قم: بی‌نا، اول.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۲ ش)، الخصال، ترجمه: جعفری، قم: بی‌نا، اول.
۷. حلّی، حسن بن علی بن داود، (۱۳۴۲ ش)، الرجال (لابن داود)، تهران: دانشگاه تهران.
۸. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر، (۱۴۱۱ ق)، رجال العلامة الحلی، تصحیح و تحقیق: محمدصادق بحر العلوم، نجف اشرف: دار الذخائر، دوم.
۹. حمیری، عبد الله بن جعفر، (۱۴۱۳ ق)، قرب الإسناد، قم: مؤسسة آل البيت (ع).
۱۰. رحمتی، محمد کاظم، (بهمن و اسفند ۱۳۸۲ ش)، «نکاتی درباره کتاب قرب الاسناد حمیری»، کتاب ماه دین، شماره ۷۶ - ۷۷.
۱۱. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشیعة، قم: بی‌نا، اول.
۱۲. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۴ ق)، الأمالی (للطوسی)، تصحیح و تحقیق: مؤسسة البعثة، قم: دار الثقافة، اول.
۱۳. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۳۷۳ ش)، رجال الطوسی، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسين بقم المقدس.
۱۴. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۲۰ ق)، فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء



المصنّفين و أصحاب الأصول، تصحيح و تحقيق: عبدالعزيز طباطبائي، قم: مكتبة المحقق الطباطبائي، أول.

۱۵. عبد الله عابد، صمد، (زمستان ۱۳۸۶ ش)، «شيخ صدوق، معاني الأخبار و سبك مؤلف در نگارش آن»، نشریه فلسفه، کلام و عرفان شیعه‌شناسی، شماره ۲۰، ص ۱۵۷ - ۲۰۲.

۱۶. کشی، محمد بن عمر، (۱۴۰۹ ق)، رجال الکشی، تحقيق: حسن مصطفوی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.

۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹ ق)، الکافی، قم: دار الحديث.

۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تحقيق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الكتب الإسلامية.

۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۳ ش)، گزیده کافی، تهران: بی‌نا، أول.

۲۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

۲۱. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ ق)، الأمالی (للمفید)، قم: بی‌نا، أول.

۲۲. مفید، محمد بن محمد، (۱۳۶۴ ش)، الأمالی (للمفید)، ترجمه: استاد ولی، مشهد: بی‌نا، أول.

۲۳. نجاشی، احمد بن علی، (۱۳۶۵ ش)، رجال النجاشی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعه لجامعة المدرسين بقم.

۲۴. واسطی بغدادی، احمد بن حسین، (۱۳۶۴ ش)، الرجال (لابن الغضائری)، تحقيق: محمدرضا حسینی، قم: دار الحديث، أول.